

# عوامل تأثیرگذار بر نگرش حکیم زنونزی درباره معاد جسمانی

محمد مهدی مشکاتی<sup>۱</sup>، علی مستاجران گورتانی<sup>۲</sup>

## چکیده

تبیین فلسفی معاد جسمانی از مهمترین مسائل فلسفه پس از صدرالمتألهین در میان اهل تحقیق بشمار می‌آید. حکیم آقا علی مدرس زنونزی با توجه به ابهامات و سؤالات باقی مانده در این موضوع و با توجه به میراث فیلسوفان قبلی بویژه ملاصدرا در این زمینه و با استفاده از مبانی حکمت متعالیه، مانند حرکت جوهری و تشکیک در وجود، بررسی دقیق و تحلیلی نو نسبت به این مسئله نموده است. دیدگاه حکیم زنونزی مبتنی بر سه مقدمه است: اولاً، نفس پس از مرگ، آثار و صور نفسانی را در ذرات و عناصر بدن به ودیعه میگذارد. ثانیاً، این ودایع، سبب حرکت جوهری و تغییر و تحوّل در ذات بدن میشود. ثالثاً، پس از سپری شدن استکمال بدن به محوریت حرکت جوهری، بدن به نفس خود ملحق میگردد به صورتی که هیچ نفس دیگری تناسب لازم برای اتحاد با بدن مذکور را نخواهد داشت. حکیم مؤسس به پشتوانه اصول فلسفی و تحلیل و بررسی روایاتی از مجامع حدیثی معتبر توانسته است تبیین جدید خود را به اثبات برساند. نوشتار حاضر، مبانی فلسفی حکیم زنونزی را مانند اتحاد و علاقه نفس و بدن، ترکیب حقیقی و اتحادی و چگونگی باقی ماندن

۱۴۹

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان؛ mahdimeshkati@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ mostajeran110@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۴



صورت در دو حالت را مورد بررسی قرار داده و در ادامه به چگونگی تثبیت نظریه خاص حکیم زنوزی به پشتوانه روایتی از امام صادق(ع) میپردازد.

**کلیدواژه‌ها:** نفس، بدن، حرکت جوهری، حکیم زنوزی، معاد جسمانی

\* \* \*

### مقدمه

یکی از مسائل مهم دینی که همیشه کانون بحث و بررسی بوده و تاکنون هم در بین متکلمان و فلاسفه دیدگاه‌های گوناگونی را رقم زده، مسئله معاد جسمانی است. امکان و کیفیت معاد جسمانی از جمله مسائلی است که دانشوران بطور گسترده پیرامون آن بحث کرده و تلاش بسیاری نموده‌اند که در تبیین آن میان آموزه‌های دینی و عقلی سازگاری ایجاد کنند.

شایسته است اشاره‌ی به سیر تطور تاریخی و چگونگی رویکرد فلاسفه و متکلمان تا قبل از زمان حکیم زنوزی داشته باشیم. شیخ‌الرئیس براین باور بوده است که معاد دو گونه است:

يجب ان يعلم ان المعاد منه ما هو مقبول من الشرع ولا سبيل الى اثباته...<sup>(۱)</sup>.

اولی که همان معاد جسمانی است، از ناحیه شرع رسیده و بصورت تقلیدی مورد قبول ما واقع شده است؛ زیرا عقل نمیتواند آن را اثبات کند و از طریق شریعت و تصدیق صادق مصدق به آن اذعان داریم. نوع دوم عبارت است از معادی که به عقل و قیاس برهانی ادراک شود و انبیا هم آن را تصدیق کرده‌اند که همان معاد روحانی است.

۱۵۰ این کلام شیخ مستلزم آن است که معاد جسمانی، محال عقلی نباشد و باید راهی برای اثبات فلسفی و عقلی آن باشد.

در منظومه فکری فارابی و شیخ‌الرئیس و اتباع ایشان از حکمای مشائی و همچنین در نظام فلسفی اشراقی، معاد جسمانی با برهان عقلی اثبات نمیشود. از اینرو نفس، بعد از مفارقت از بدن، صلاحیت تعلق گرفتن به بدن را نخواهد داشت

